



اهل بیت(ع) در شعر نزاری

محمدحسین الهی زاده^۱

چکیده

پیامبر(ص) و علی(ع) و اولاد طاهرینش در طول تاریخ مورد احترام و توجه تمامی مسلمانان بوده‌اند. شاعران مسلمان نیز از این قاعده مستثنی نبوده و در آثار خود به انحاء مختلف ارادت و علاقه‌ی خود را به ساحت این بزرگواران ابراز نموده‌اند تا آنجا که ادبیات خاصی در این زمینه بوجود آمده است. شاعران ایرانی تبار بسیاری در بین این خیل عظیم هستند که در قالب گونه‌های مختلف شعری ارادت خالصانه‌ی خود را که از روی اعتقاد به جایگاه اهل بیت و چهارده معصوم است اظهار نموده‌اند. حکیم سعدالدین نزاری(۶۴۵-۷۲۱ه.ق.) از جمله‌ی این ارادتمندان است که در اشعار گوناگون خود و به مناسبت‌های مختلف به صورت مستقیم یا غیر مستقیم به جایگاه بالای آنان اشاره کرده و ارادت و اعتقاد خود را نسبت به آنان بیان نموده است. نوشته‌ی حاضر کندوکاوی است در آثار منظوم نزاری که ضمن ارائه میزان فراوانی اشارات او به اهل بیت عصمت و طهارت، پیروی او را از مکتب اهل بیت نشان داده و می‌تواند در خصوص مذهب نزاری [که با ابهاماتی از سوی برخی محققان روبروست] راهگشای پژوهشگران باشد.

کلید واژه: حبیب‌الله، ابوتراب، آل‌عبا، ذریه، محبت.

مقدمه

پیش از ورود به مبحث اصلی لازم است مفاهیم برخی اصطلاحات مورد استفاده در اشعار نزاری را روشن نماییم. اصطلاحات «ذریه»، «آل»، «اهل» و «قربی» که از لحاظ مفهومی به هم نزدیکند و در مواردی بجای همدیگر بکار می‌روند، از اصطلاحات رایج میان مسلمانان هستند که همواره در خصوص خانواده و بازماندگان نبی مکرم اسلام مورد استفاده قرار می‌گیرد. این کلمات به دفعات در قرآن استفاده شده که معمولاً درباره‌ی اعقاب و بستگان پیامبران بوده و به نوعی عنایت مخصوص خداوند را برای اعقاب پیامبران بیان می‌دارد. همچنین در شعر نزاری اصطلاحات «ولی»، «تولاً»، «التجا» و «حب» بیشترین کاربرد را در رابطه با



اصطلاحات فوق دارند و معمولا در قالب ترکیب‌های اضافی نظیر «حَبَّ آل»، «تولاً به آل عبا»، «ولیّ حق»، «التجا به آل رسول» بکار رفته‌اند. از این‌رو ابتدائاً توضیحی درباره هر کدام از این اصطلاحات می‌آوریم:

ذریه: کلمه‌ی ذریه به معنای زاد و ولد، فرزند یا نسل بدون واسطه در سی و دو آیه‌ی قرآن بکار رفته است. غالباً کلمه ذریه در آیاتی بکار رفته که پیامبران دعا می‌کنند خداوند آنان را انتخاب نموده تا نمونه درستی و راستی در ادامه نسل پیامبران باشند (جعفری، ۱۳۷۴: ۲۹).

آل: کلمه‌ی آل به معنای نزدیک یا نزدیک‌ترین رابطه به وسیله‌ی نسل از یک پدر یا نیا یا مرد خانواده یا خویشاوند، بیست و شش مورد در قرآن مجید در رابطه با نسل‌های پیامبران، یا آنهایی که جانشین آنان در هدایت و توجه مخصوص خداوندی شده بودند بکار می‌رود (همان: ۳۰).

اهل: کلمه‌ی اهل، که چندین مرتبه در قرآن بکار رفته است، تقریباً همان معنی آل را دارد، گرچه در معنی وسیع‌تری نسبت به مردم یک شهر یا یک گروه و یا پیروان یک مکتب یا پیشوا بکار می‌رود. وقتی که در رابطه با اصطلاح بیت، اهل بیت بکار برده می‌شود به نسل بلافضل خاندان یا چنین خاندانی از همان خانه یا بیت برمی‌گردد. در قرآن، ترکیب «اهل بیت» در خصوص خاندان بلافضل پیامبر (ص) یعنی فرزندان فاطمه (س) بکار می‌رود. مثلاً مفسران در تفسیر آیه‌ی ۳۳ سوره‌ی احزاب (آیه تطهیر) کلمه اهل بیت را به معنای پنج تن آل عبا دانسته‌اند (همان: ۳۰-۳۱).

قربی: اصطلاح، قربی (از ریشه قروبه، نزدیکی)، نزدیک، رابطه خونی یا خویشاوند نزدیک را معنا می‌دهد. این کلمه نیز مانند اصطلاح اهل بیت اختصاصاً برای خویشاوندان بلافضل حضرت محمد (ص) بکار می‌رود. به اجماع مفسران خداوند در آیه ۲۳ سوره ۴۲ کلمه «قربی» را برای فاطمه، علی، حسن و حسین (علیهم‌السلام) بکار برده است (همان: ۳۱).

ولیّ: از مهم‌ترین و اصلی‌ترین معانی ولیّ راهنما، هادی، سرپرست و صاحب اختیار و کسی که سرپرستی دینی و اعتقادی و هدایت امور مردم به دست اوست می‌باشد (مهدی‌پور، ۱۳۸۶: ۱۴۰) و آیه‌ی ولایت در قرآن (مائده/۵۵)، مصداق بارز این معنی و علی بن ابی‌طالب و اولاد طاهرین آن حضرت، تجسم عینی آن هستند. اصطلاح ولی در متون دینی با مترادفاتی همراه است مانند امام، حجت، وصی، خلیفه و ولی امر یا اصطلاح قرآنی اولوالامر. در خصوص اولوالامر باید گفت که نظریه‌ی تمام علمای شیعه این است که اولوالامر باید معصوم باشند و تعیین معصوم و اولوالامر باید از سوی خداوند عالم باشد و نمی‌تواند بیش از یک فرد در هر عصر و زمانی باشد و آن شخص در عصر پس از رسول گرامی اسلام (ص) حضرت علی و امامان دوازده‌گانه می‌باشند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۱: ۱۱۲-۱۱۵). در متون عرفانی مرجع و مدار ولایت، مولی‌الموحیدین علی (ع) و



اولاد طاهرینش (اهل بیت) معرفی شده‌اند و در کنار آن معادن علم و معرفت و تقوا و معصومان درگاه الهی، پاکان و صالحان دیگر نیز به عنوان اولیای الهی در عصر خود زمام امور اقشاری از مسلمانان را به عهده گرفته و در حدّ وسیع خود به هدایت آنان همت گماشته‌اند (مهدی‌پور، ۱۳۸۶: ۱۴۴).

تَوَلَّ: تَوَلَّ به معنای دوست داشتن خدا، پیامبر، امام و بندگان خوب خدا و تبرّاً به معنی بیزاری جستن از دشمنان آنان است. برخی این دو را جزو فروع دین اسلام برشمرده و برخی دیگر آن را مانند خونی در همه ی اعمال و رفتار انسان مسلمان جاری دانسته‌اند. تولا که مصدر باب تفاعل از ریشه «ولی» و به معنی قبول ولایت است، دارای معانی زیر است: دوست داشتن؛ نصرت خواستن؛ تقرب جستن و قبول رهبری و زعامت. تبراً نیز مصدر باب تفاعل از ریشه «برء» و به معنای انکار کردن، نپذیرفتن پاک شدن و نیز دوری کردن و بیزاری جستن است.

التجّ: التجّ از ریشه لجی و به معنای پناه بردن و طلب پناه دادن از بزرگان است. در فرهنگ اسلامی و معمولاً امور اعتقادی مسلمانان عمل التجّ نسبت به بزرگان دینی و بویژه نبی مکرم اسلام (ص) و خاندانش صورت می‌گرفته و غالباً شاعران در نعت رسول (ص) و اهل بیت پیروی خود از مکتب اسلام را اعلام داشته و آنان را به عناوینی همچون «حبل الهی»، «کشتی نوح» و «سفینه نجات» مخاطب ساخته و جهت رستگاری و در امان ماندن از آتش دوزخ به آنان ملتجی می‌شوند.

حبّ: حبّ در ادب اسلامی با توجه به سفارشات خداوند (شوری/۲۳) در خصوص مودت و محبت به ذوی- القربای پیامبر (ص)، معمولاً در معنای محبت ورزیدن به اهل بیت بکار رفته است. ولاء محبت یعنی اظهار ارادت و علاقه و داشتن مودت نسبت به خاندان رسول که در میان تمامی مسلمانان رایج بوده و همگان آن را قبول دارند (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۱: ۲۳۴). معمولاً شاعران مسلمان در اشعار خود به مناسبت، محبت اهل بیت را مطرح کرده و مودت خود را به محضر پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) نشان داده‌اند.

در ادب اسلامی و آثار عارفان مسلمان، نقش دو شخص به خوبی مشهود است. هیچ عارف و عالمی نیست که در آثار قلمی و زبانی خود از این دو شخصیت عظیم اسلامی یاد نکرده باشد حضرت محمد بن عبدالله (ص) و حضرت علی بن ابی طالب (ع). عرفا اگر از عارفی نام می‌برند، معمولاً در حدّ تکریم از ذکر کمالات وی سخن می‌گویند، اما وقتی سخن به پیامبر (ص) و علی (ع) می‌رسد عنان سخن از کف می‌دهند و با پای دل به میدان آمده و میدان‌داری می‌کنند. در اینجا سخن به دست عشق می‌افتد و کلام عاشقانه می‌گردد. این نقش منحصر به فرد مختص این دو است. بنابراین باروری و وسعت و عمق عرفان و ادب اسلامی در پرتو انوار این دو گوهر تابناک و بی‌بدیل بوده است. در ادامه هرگاه شاعر شیعی باشد بسته به اوضاع زمانه و ملاحظه محدودیت-



های فرقه‌ای و سیاسی با بازماندگان پیامبر(ص) و اولاد و ذریه علی(ع) نیز چنین معامله‌ای دارد و هر مدح و ثنا یا منقبت یا مرثیه‌ای دارد نثار آنان می‌نماید.

با توجه به این نکته که از آمدن اسلام به ایران تا پایان دوره‌ی مغول مذهب رایج در نشأت‌گاه شعر فارسی حنفی بوده است، نباید توقع داشت شاعران شعر بسیاری در ستایش آل علی سروده باشند و بخصوص آنچه باقی مانده شعرهای مدحی شاعران درباری است که برای نان سروده‌اند نه از روی عقیده و ایمان و اشعاری که زاده‌ی احساس و عاطفه‌ی پاک سراینده‌گان آن است به تدریج از میان رفته است. در طول هفتصد سال وضع چنین بوده است و کسانی که به عربی یا فارسی در مدح آل علی شعر گفته‌اند تا عصر تیموری در اقلیت بوده‌اند. البته در چنین اوضاع و احوالی، اظهار علاقه به آل علی به نوعی ابراز اعتقاد به تشیع محسوب می‌شد و جرأت و بی‌باکی خاصی را می‌طلبید که نیازمند خلوص عقیده و باور بود. این اظهار علاقه و مودت به شیوه‌های مختلفی صورت می‌گیرد؛ گاهی در قالب ستایش ائمه(ع) و به خصوص مدح حضرت علی(ع) است، زمانی همراه با خطاب و عتاب به اهل زمانه است و گاه نیز به صورت مناقب‌خوانی برای اهل بیت است. سنخ مدایح مذهبی با دیگر مدیحه‌ها تفاوت اساسی دارد، زیرا در سایر مدایح، شاعر به طور عمده با اهداف و اغراض مادی و شخصی به ستایش ممدوح می‌پردازد ولی در مدح اهل بیت این مسائل وجود ندارد. نکته‌ی دیگری که در این زمینه شایان ذکر است، توجه و تمسک شاعران به کلام الهی و احادیث پیامبر(ص) است، که در شأن و منزلت خاندان عصمت و طهارت نازل گشته یا بیان شده است(باباصفری، ۱۳۷۹: ۲۶۱).

توجه به اهل بیت و التجا به آنان از سوی شاعران و ادبای مسلمان همواره وجود داشته است و حداقل جهت تیمن و تبرک هم که شده در آغاز و پایان اثر خود نام آنها را زینت‌بخش کتاب خود کرده‌اند. می‌توان گفت شاعر یا ادیبی نیست که در اشعارش به نحوی به نبی مکرم اسلام و اهل بیت‌شان اظهار ارادت نکرده و منقبت آنان را نیاورده باشد.

شاید نخستین کسی که در شعر فارسی از منقبت اهل بیت بهره برد کسایی مروزی باشد. پس از او دیگرانی به او اقتدا کردند و در اشعار خود منقبت اهل بیت را آوردند. بسته به مذهب شاعر و تعلق خاطرش به اهل بیت میزان و عمق این ارادت‌ها متفاوت است.

اهل بیت در قرآن و روایات از جایگاه والایی برخوردارند و پیروی و سرمشق قرار دادنشان مورد توصیه و سفارش واقع شده است.

نزاری نیز از جمله شعرایی است که در اشعار خود به اهل بیت التجا داشته و محبت آنان و پیروی از آنان را مطرح نموده است. بیشترین موارد را نزاری در دیوان خود آورده است. او در دیوانش به علاوه‌ی دوازده غزلی که



عناوین اهل بیت و آل در خود دارد در سایر غزل‌ها به صورت پراکنده به جایگاه اهل بیت اشاره نموده است. نزاری در دیگر آثارش نظیر روز و شب، دستورنامه و ادب نامه نیز اشاراتی به پیامبر و آلش داشته است. ذیلا اشعار نزاری را درباره اهل بیت از لحاظ محتوا دسته‌بندی کرده و جهت اطلاع، میزان فراوانی مضامین آن در شعر دیگر شاعران آورده‌ایم.

اهل بیت؛ کشتی نوح و جبل الهی

در روایات و احادیث متعددی اهل بیت همچون کشتی نوح قلمداد شده‌اند که هر کس به آنها پناه جوید و دست در دامن آنان زند هدایت یافته است. نزاری در شعری با عنوان «عظت و تنبیه» خاندان پیامبر(ص) و اولاد علی(ع) را کشتی نوح و جبل الهی خوانده و التجا به آنان را تنها راه نجات دانسته است.

مردانه کرد زیر قدم جاده‌ی صواب خوش می‌روند در حرم خلد بی‌حجاب	خرم وجود آنکه به امری درست و راست آزادگان طواف کنان آستین فشان
اعلام سلطنت زده در عالم ثواب هان ای مقصّران که ز سر در گذشت آب و آن جبل چیست دامن اولاد بوتراب کز باب او گریز نباشد به هیچ باب گردن مکش چو حارث و از سجده برمتاب محروم مانده‌ایم بدین خورده زآن جناب	منشور حکم یافته در ملک جاودان طوفان نوح از پس و کشتی امن پیش دست رضا زیند به جبل الله استوار ذریه‌ی مطهر منصوص مستقر فرمان بر و متابعت امر وقت کن رای و قیاس ماست حجاب بزرگ و ما

(دیوان، ۱: ۱۴۰)

او همچنین در غزل شماره ۷۰ با عنوان «جدال با محتسب» محتسب را شایسته و در خور و شان برخوردار با خود و امثال خود نمی‌داند و در دو بیت به علی(ع) و اولاد ایشان التجا کرده و آنان را مقتدا و محبوب خود قلمداد کرده است.

زهاد را پدید بود مرجع و مآب حلّاج وار طوق ندانند از طناب دست وفا به دامن اولاد بوتراب... روز جزا به قدر محبّان دهم ثواب	آن جا نه جای توست نه می‌خانه راه تو آن‌ها که سر به دینی و دین درنیاورند کردند اعتصام به جبل الله و زدند ...یارب تو آگهی که محبّ ولایتیم
--	--



(دیوان، ۱: ۵۷۲)

در غزل شماره ۵۳۵ با عنوان «بانگ وحدت» به صفات و ویژگیهای محبان اهل بیت عصمت و طهارت از جمله خود نزاری اشاره دارد.

ساکنانی که قدم در ره مقصد زده‌اند	دست در دامن اولاد محمد زده‌اند
ساکن خطه‌ی خاک‌اند ولی از ره قدر	خیمه بر طارم این سقف زمرد زده‌اند
در نظرشان نرود دنیی و عقبی جز دوست	گره عهد برین عزم موکد زده‌اند
گر سر کثرت اشغال ندارند رواست	باده در مجلس عشاق مجرد زده‌اند
بانگ وحدت چو نزاری به جهان دردادند	وین منادا ز پی ملک مخلد زده‌اند

(دیوان، ۱: ۱۱۲۵)

در مطلع غزل شماره ۷۸۴ با عنوان «التجا به آل رسول» خود را ملتجی خاندان پیامبر دانسته است.

دست من و دامن آل رسول	هرچه جز این است نیرزد به پول
-----------------------	------------------------------

(دیوان، ۱: ۱۴۰۵)

پیش از نزاری نیز شاعرانی به اهل بیت تمسک جسته و آنان را وسیله نجات خود دانسته‌اند و این نشان - دهنده توجه به اهل بیت است در شعر شاعران مسلمان. مثلاً:

کسایی شاعر قرن چهارم در شعر زیر اهل بیت را سفینه نجات دانسته است:

گر نجات خویش خواهی در سفینه نوح شو	چند باشی چون رهی تو بینوای دل رهین
دامن اولاد حیدر گیر و از طوفان مترس	گرد کشتی گیر و بنشان این فرع اندر پسین

(ریاحی، ۱۳۶۷: ۹۴-۹۵)

فردوسی شاعر حماسه سرای ایرانی قرن چهارم در بیان نجات بخشی اهل بیت آورده است:

حکیم این جهان را چو دریا نهاد	برانگیخته موج ازو تندباد
چو هفتاد کشتی برو ساخته	همه بادبان‌ها برافراخته
یکی پهن کشتی بسان عروس	بیاراسته همچو چشم خروس



محمد بدو اندرون با علی	همان اهل بیت نبی و ولی
خردمند کز دور دریا بدید	کرانه نه پیدا و بن ناپدید
بدانست کو موج خواهد زدن	کس از غرق بیرون نخواهد شدن
به دل گفت اگر با نبی و وصی	شوم غرقه دارم دو یار وفی
همانا که باشد مرا دست گیر	خداوند تاج و لوا و سریر

(فردوسی، ۱۹۶۳، ج ۱: ۱۹-۲۰)

غضایری رازی شاعر قرن چهارم و پنجم نیز در خصوص جایگاه آل عبا در روز قیامت سروده است:

مرا شفاعت این پنج تن بسنده بود	که روز حشر بدین پنج تن رسانم تن
بهین خلق و برادرش و دختر و دو پسر	محمد و علی و فاطمه، حسن و حسین

(دبیرسیاقی، ۱۳۵۵: ۱۳۳)

ناصر خسرو قبادیانی شاعر آزاده قرن پنجم هجری در بیت زیر آل پیامبر(ص) را حبل الهی نامیده است:

آل رسول خدای، حبل خدایند	چونش گرفتگی، ز چاه جهل برآیی
--------------------------	------------------------------

(ناصرخسرو، ۱۳۶۵: ۹۲)

شاعران بعد از نزاری نیز اهل بیت را کشتی نجات دانسته و تمسک به آنان را تنها راه رهایی و رستگاری معرفی کرده‌اند. مثلاً کلیم همدانی شاعر قرن یازدهم می‌گوید:

اهل بیت سرور عالم، بود کشتی نوح	هست شاه اولیا، هم کشتی و هم ناخدا
---------------------------------	-----------------------------------

(کلیم همدانی، ۱۳۶۹: ۹)

یا شبیانی شاعر قرن سیزدهم و چهاردهم سروده است:

روز طوفان بلا اندر سفینه‌ی نوح زی	کاز زبان مصطفی با تو همی گوید خدا
چنگ در فتراک آل مصطفی باید زدن	تا به عون مصطفی گردی زجمع اولیا

(شبیانی، ۱۳۰۸: ۱۵)

و در شعری دیگری می‌گوید:



رهنما جوی و رهنمای تو کیست
جز علی و آل او به هر دو سرای؟
تو علی جوی باش و آل طلب
که از ایشان همی رسی به خدای

(شیبانی، ۱۳۰۸: ۲۸۱)

تولّا به اهل بیت

در غزل شماره ۳ با عنوان «تولّا به آل عبا» توجه به اهل بیت عصمت و طهارت پیامبر را مطرح کرده و به آنان ملتجی شده و آنان را وسیله ی بخشش گناهان و اعمال بد خود دانسته است

به آب توبه فرو شستم آتش صهبا
ز توبه تازه شدم چون گل از نسیم صبا
اسف همی خورم و غصّه می کشم شب و روز
که کرده‌ام به خطا روزگار عمر هبا...
...کنون که دارم بلقیس توبه را در بر
چه حاجت است که هدهد خبر دهد ز سبا
توقعی که به اعمال خیر دارم نیست
جز این که هست تولّای من به آل عبا

(دیوان، ۱: ۴۸۷)

در غزل شماره ۳۱۲ با عنوان «نظم نزاری» پیامبر را حبیب‌الله خوانده و هرکسی را دارای شأن او نمی داند و در ادامه به تولّای اهل بیت اشاره می‌کند

همچو حبیب‌اللهی باید معراج را
بولهب ناسزا لایق لولاک نیست...
...هر که تولّا به دوست کرد و تبرّاً ز غیر
زهر به خود خورده را حاجت تریاک نیست

(دیوان، ۱: ۸۸۳)

نزاری در غزل شماره ۳۲۳ با عنوان «چاره تسلیم و رضا» به تبرّاً و تولّای اهل بیت اشاره دارد

چون تبرّاً و تولّا به مشعبدگه عشق
بازی نیست که از حقّه برون آری نیست

(دیوان، ۱/۸۹۷)

در میان شاعران پیش از نزاری کسایی و ناصر خسرو و از بین شاعران پس از او سروش اصفهانی به تولّای اهل بیت و تبرّای از دشمنان آنها در شعر خود اشاره کرده‌اند:

بی‌تولا بر علی و آل او دوزخ تو راست
خوار و بی‌تسلیمی از تسنیم و از خلد برین



(ریاحی، ۱۳۶۷: ۹۵)

سوی تو گر دوستدار اهل عبایی

اهل عبا یکسره لوای خدایند

(ناصر خسرو، ۱۳۶۵: ۹۱)

بر حیدر و بر آل او توّلّا

دانی که چه چیز است رستگاری

از دشمن او داشتن تبرّا

وندر دو جهان مایه‌ی سعادت

(سروش اصفهانی، ۱۳۴۰، ج: ۱، ۲)

محبت اهل بیت

اشعار نزاری در نعت اهل بیت و بیان جایگاه آنها بیشتر در قالب محبت به آنها آمده است.

در غزل شماره ۵۳ با عنوان «حبّ آل نبی» در مناجاتی از خدای متعال درخواست بخشش و عفو می‌کند و از او می‌خواهد که با فضل و رحمت خود برخورد کند و راه نجات خود را محبت و تعلق خاطر می‌داند که به اهل بیت عصمت و طهارت دارد.

بپذیر عذر و درگذر از سیئات ما

یا رب به عفو توست امید نجات ما

آلا به رحمت تو حیات و ممات ما

ارحم به فضل خود که ندارد تعلقی

ناید به هیچ کار نفوس و ذوات ما

گر نه به حبّ آل نبی ممتلی بود

(دیوان، ۱: ۵۴۹)

در غزل شماره ۱۲۰ با عنوان «محبت آل» مقصود و منظور از آفرینش را محبت و دوستی خاندان

پیامبر(ص) می‌داند.

بدبخت را به جای محبت عداوت است

اسرار در محبت آل است والسلام

مقصود از آفرینش اکوان محبت است

این جا به حکم آن که نبی را حبیب خواند

(دیوان، ۱: ۶۳۳)

در غزل شماره ۲۹۴ با عنوان «حبّ آل» به اعتقادش به اهل بیت پیامبر(ص) که منحصر به فرزندان و نسل

علی(ع) است اشاره شده است.



... تو به زاری مبین نزاری را
دل و پشتش به حبّ آل قوی ست
آن که [او] بی حجاب می گوید
اعتقادش به اهل بیت نبی ست
پادشاه است بر ممالک فضل
زان که مملوک خاندان علی ست

(دیوان، ۱: ۸۵۹)

در غزل شماره ۱۱۷۰ با عنوان «حبّ بوتراب» دوستی علی (ع) را مایه‌ی بخشودگی در روز حساب می‌داند.

... تا بار دهندت ای نزاری
می بوس تراب آستانه
باشد که به حبّ بوتراب
بخشند به جود بی کرانه

(دیوان، ۲: ۳۷۰)

در انتهای غزل شماره ۱۱۲۱ با عنوان «حبّ ذریه» دوستی اولاد پیامبر را بهترین کار در این دنیا می‌داند.

... طمع خیر نزاری بیر از کون و مکان
چه تمتع زجهانی که بود حادثه‌زای
حبّ ذریه‌ی اولاد حبیب الله بس
هم برین باش و برین هیچ دگر برمفزای

(دیوان، ۲: ۳۸۴)

در غزل شماره ۱۲۷۸ با عنوان «محبت ازلی» به دوستی ازلی خود به خاندان علی اشاره دارد.

... محبت تو نه آن است کز دلم برود
محبت معتقدم، معتقد نه معتزلی
هنوز بعد قیامت همان محبت توأم
کجا زوال پذیرد محبت ازلی
وفا و عهد تو در سینه محکم است چنان
که اعتقاد نزاری به خاندان علی

(دیوان، ۲: ۵۴۴)

در میان شاعران پیش از نزاری بیشتر از همه ناصر خسرو و در میان شاعران پس از او بیش از همه ابن-حسام (قرن نهم)، قانّی (قرن سیزدهم) و سروش اصفهانی به مودت و ابراز محبت نسبت به اهل بیت پرداخته‌اند.

یاری ندهد تو را بر این دیو [شیطان]
جز طاعت و حبّ آل یاسین

(ناصر خسرو، ۱۳۶۵: ۵۰)



نه زو برتر کسی دانم به عالم
 نه بهتر ز آل او بشناسم آلی
 به جان اندر بکشتم حبّ ایشان
 کسی کشته‌ست ازین بهتر نهالی؟

(ناصر خسرو، ۱۳۶۵: ۳۱۰)

در وفاداری مهر مصطفی و آل او
 عمر شیرین صرف کرده همچو سلمان می‌روم
 روح و ریحان زباغ مهر اهل البیت بود
 حبّذا اکنون که من با روح و ریحان می‌روم

(ابن حسام، ۱۳۶۶: ص ۳۰۰)

منت خدای را که ز مهر رسول و آل
 گام شرف به تارک هفتم سما ز نیم

(قائنی، ۱۳۶۳: ۴۸۷)

خواهی توانگری دو جهان، حبّ او گزین
 حبّ علی به هردو جهان طرفه کیمیاست

(سروش اصفهانی، ۱۳۴۰، ج ۵۳: ۱)

اقتدا به اهل بیت

اقتدا به خاندان رسول و پیروی آنان از دیگر مواردی است که در شعر نزاری و دیگر شاعران مکتبی به چشم می‌خورد.

نزاری همانند شاعرانی چون فردوسی و ناصر خسرو اقتدا به اهل بیت را در زندگی این جهانی یک افتخار دانسته و به هیچ وجهی حاضر به ترک این نوع زندگی نیست، حتی اگر توسط دشمنان مورد شماتت یا خصومت واقع شود.

نزاری در غزل شماره ۶۷ با عنوان «آفتابی دیدم» دلیل خصومت دشمنان را پیروی از علی (ع) می‌داند.

دانی از من ناشناسان را چه آتش در دل است
 زآنکه هستم خاک پای نقدِ وقتِ بوترباب

(دیوان، ۱: ۵۶۷)

در غزل شماره ۳۶۹ با عنوان «بی نزاری چو بیایی» آل نبی را شایسته‌ی بندگی دانسته و آنان را طریق سعادت و چشمه‌ی حیوان معرفی کرده است.



گر بیایی به سر چشمه‌ی حیوان برمت
... جبرئیل من و نه تو رسولی اما
... گر سر بندگی آل محمد داری
پای کوبان به تماشاگاه رضوان برمت...
رخت بر تخت‌گه سدره‌نشینان برمت...
تا بیاموزمت اول بر سلمان برمت

(دیوان، ۱: ۹۴۹)

در غزل شماره ۳۷۷ با عنوان «پس رو آل نبی باش» به جایگاه اهل بیت و پیروی از آنان اشاره دارد

...پس رو آل نبی باش که ذریت اوست
غایت مقصد و زنه‌ار مگرد از منه‌اج

(دیوان، ۱: ۹۵۸)

در پایان غزل شماره ۱۰۷۲ با عنوان «در پی آل بوتراب» اعتقاد به خاندان علی (ع) و دنباله روی از اهل بیت را یک اصل اجتناب ناپذیر مسلمانی می‌داند.

...خاک بر آن سر که نیست معتقد او
پس روی آل بوتراب گرفته

(دیوان، ۲: ۳۳۲)

پیش از نزاری فردوسی، ناصر خسرو و قوامی رازی (شاعر قرن ششم) به همین سبک و با همین مضامین اقتدای خود را به آل نبی و اهل عبا اعلام کرده‌اند:

منم بنده‌ی اهل بیت نبی
ستاینده‌ی خاک پای وصی

(فردوسی، ۱۹۶۳، ج ۱: ۱۹)

عیبم همی کنند بدانچه‌م بدوست فخر
فخرم بدانکه شیعت اهل عبا شدم

(ناصر خسرو، ۱۳۶۵: ۱۳۹)

یار اهل‌البیت حق باش و بدان غره مشو
گر به باطل یاری امروزت همی سلطان دهد

(قوامی رازی: ۱۱۱)

در میان شاعران پس از نزاری ابن حسام خوسفی و بابا فغانی شیرازی (شاعر قرن نهم و دهم) به همین نحو پیروی خود را از اهل بیت نشان داده‌اند:



انکار عترت تو ز اقرار کافر است
 ناپاکی است دشمنی آل طیبین
 نسبت به کفر می‌کنم خصم خاکسار
 حاشا چه کفر؟ کفر کدام و کدام دین؟
 آری حسود طعنه اگر می‌زند چه سود
 بی‌نشر مگس نبود نوش انگبین

(ابن حسام، ۱۳۶۶: ص ۵۶)

ای شسته از مطالب ارباب جیفه دست
 دامان شاه گیر که ذیل مآرب است
 بر خود مساز مذهب هفتاد و دو دراز
 یک‌رنگ آل باش که اصل مذهب است

(بابافغانی، ۱۳۶۲: ۱۵)

ولایت علی(ع)

ولایت علی(ع) از مضامینی است که کمتر شاعری در شعر خود بدان اشاره کرده است و در میان شاعران فارسی زبان قبل از نزاری شعری که حاوی مضمون ولایت خاصه علی(ع) باشد یافت نشد.

نزاری در غزل شماره ۲۸۷ با عنوان «فناعت آباد» به ولایت ولیّ حق که همانا علی(ع) است اشاره دارد.

اگر دلت به ولای ولیّ حق ره نیست
 چه دل بود که تو داری نه دل که فولادست

(دیوان، ۱: ۸۵۲)

در غزل شماره ۳۸۲ با عنوان «جهان علم علی(ع)» ضمن اعلام ولایت علی(ع)، ایشان را کلید رزق و روزی مردم معرفی می‌کند.

...چو جام صافی روشن دلم که پوشیده‌ست
 همای دولت خسرو سرم به ظلّ جناح
 ولیّ آل محمد جهان علم علی
 که جود اوست در رزق خلق را مفتاح

(دیوان، ۱: ۹۶۶)

در ابیات ۲۲۰۴ تا ۲۲۱۱ ضمن بیان پایان یافتن ادب نامه از علی(ع) با عناوین «شاه جهان بان»، «ولیّ»، «اولوالامر» و «پشت و پناه دین و دنیا» یاد کرده است:

به اقبال شاه جهان بان علی
 که دین را پناه است و حق را ولیّ
 بپرداختم یادگاری چنین
 به یاران خود دستگیری چنین
 بماندم که چون من نمانم بجای
 بود رهنمونشان به هردو سرای



اولوالامر را در سرای نخست
خردمند باید که فرمان برد
ز دنیا و عقبا به حق برخورد
که دنیا و دین راست پشت و پناه
به مردان او اقتدا کن درست
که شد حق و باطل از این سر درست
که تا از سرای دویم برخورد
کسی کو ز فرمان او نگذرد
خصوصا به تعلیم این پادشاه
که تا ره به پایان بری از نخست

(ادب‌نامه: ۱۱۶)

در انتهای ادب نامه، زمانی که شعر خود را به پایان می برد در بیت ۲۲۱۹ باز از پیامبر و علی یاد می کند.

به رغم عدو و به کام ولیّ
ز آغاز بردم به پایان کتاب
به حق محمد به حق علی
نکردم مطوّل سخن بی حساب

(ادب‌نامه: ۱۱۷)

در اشعار شاعران پس از نزاری نیز اشعاری با مضامین بالا جز دو بیت زیر از اهلی شیرازی شاعر قرن نهم و دهم یافت نشد:

من شهر علم و شاه ولایت در من است
در سر این سخن دل نادان کجا رسد
دریاب آنکه شهر قرین ولایت است
کاین در گشاده بر دل صاحب درایت است

(اهلی شیرازی، ۱۳۴۴: ۵۲۳)

علم علی(ع)

برخلاف مورد پیشین در خصوص علم علی(ع) نزاری تنها در یک جا و به صورت گذرا و بدون تاکید به علم علی(ع) اشاره دارد، مضمونی که شاعران قبل و بعد از نزاری به وفور آن را مطرح کرده و به انحای مختلف بیان کرده‌اند.

نزاری در غزل شماره ۳۸۲ با عنوان «جهان علم علی(ع)» ضمن اعلام ولایت علی(ع)، به علم ایشان اشاره دارد:

...چو جام صافی روشن دلم که پوشیده‌ست
ولیّ آل محمد جهان علم علی
همای دولت خسرو سرم به ظلّ جناح
که جود اوست در رزق خلق را مفتاح



(دیوان، ۱: ۹۶۶)

در ذیل اشعاری از شعرای پیش و پس از نزاری درباره علم علی و اهل بیت نبی جهت اطلاع از فراوانی این مضمون در شعر شاعران پیرو مکتب اهل بیت آمده است.

کسایی:

علم همه عالم به علی داد پیمبر چون ابر بهاری که دهد سیل به گلزار

(ریاحی، ۱۳۶۷: ۸۶)

فردوسی:

که من شهر علمم علیم در است درست این سخن قول پیغمبر است

(فردوسی، ۱۹۶۳، ج ۱: ۱۹)

قوامی رازی:

بدان خدای که کرد از شرف مدینه و در ز علم احمد مختار و حیدر کرّار

(قوامی رازی: ۱۲۲)

همه پاک و معصوم و نص از خدای پیمبر وقار و فرشته شعار
 ز جدّ و پدر یافته علم دین نه از روزگار و نه زآموزگار

(قوامی رازی: ۱۴۳-۱۴۴)

ابن یمین فریومدی (شاعر قرن هشتم):

وآنکه ذاتش به صفا هست یکی شهر علوم تا بدان شهر درآیید ره در گیرید
 مرتضی را در آن شهر شناسید که اوست آن کزو رسم و ره شرع مطهر گیرید

(ابن یمین، ۴۵)

هلالی جغتایی (شاعر قرن نهم و دهم):

شنیده‌ام که تکلم نمود همچو مسیح بدین حدیث لب لعل روح پرور او
 که من مدینه علمم علی درّست مرا عجب خجسته حدیثی ست! من سگ در او



(هلالی جغتایی، ۱۳۳۷: ۲۱۱)

اهلی شیرازی:

من شهر علم و شاه ولایت در من است
در سر این سخن دل نادان کجا رسد
دریاب آنکه شهر قرین ولایت است
کاین در گشاده بر دل صاحب درایت است

(اهلی شیرازی، ۱۳۴۴: ۵۲۳)

واعظ قزوینی (شاعر قرن یازدهم):

هست ختم انبیا یعنی محمد شهر علم
اودر آن شهر و واعظ از سگان آن دراست

(واعظ قزوینی، ۱۳۵۹: ۲۷۶)

سروش اصفهانی:

جز بر پی علی نبری ره به شهر علم
جز بر در علی مطلب آرزو سروش
کاو سوی شهر علم تو را شهره پیشواست
کاین در عنایت و بخشایش و عطاست

(سروش اصفهانی، ۱۳۴۰، ج ۱: ۵۳)

شیبانی:

گر مدینه‌ی علم را جویی برو در را بجوی
زانکه در ناجسته کس آگه نگردد از سرا

(شیبانی، ۱۳۰۸: ۱۵)

صفای اصفهانی (شاعر قرن سیزدهم و چهاردهم):

مزن دری که نباشد در مدینه‌ی علم
و یازده خلف آن باب فیض را بواب

(صفای اصفهانی، ۱۳۶۲: ۱۹)

علاوه بر مضامین فوق که -همانگونه که گذشت- معمولاً در میان دیگر شاعران نیز رایج و مرسوم بوده و
احیاناً آنان تحت تاثیر یکدیگر در اشعار خود به بیان آن دست یازیده‌اند، نزاری به صورت پراکنده مواردی را



مطرح کرده که ذیلا به آن اشاره می‌شود. ناگفته نماند برخی از مضامین منحصرأ در شعر نزاری آمده و در شعر دیگران یافت نشد.

نزاری در غزل شماره ۷۳ با عنوان «نور نجل بوتراب» علی(ع) و تبارش را به نور تشبیه کرده و خود را شیفته و عاشق نور آنان معرفی نموده است و این را بن مایه‌ی رستگاری و سعادت خود در روز قیامت دانسته است.

وقف کردم هستی خود بر شراب	نیستی از من بمان گو در حجاب
بر لب کوثر نشستن روز بعث	ای مسلمانان ازین خوشتر مآب
اهل فطرت مست از آنجا آمدند	هم چنان مست‌اند تا یوم‌الحساب
من هم از آنجا[م] مستی می‌کنم	تا نپندارید کز خمرم خراب
آب و خاک عشق بر هم کرده‌اند	پس سرشت من از آن خاک است و آب
آتش سودای عشق آیم ببرد	از چه از بس تاب‌سوز و سوزتاب
چشم ما و طلعت دیدار دوست	چشم خفاش است و نور آفتاب
آفتاب آن‌جا اگرچه ذره ایست	از ره تمثیل کردم انتساب
من چو حربا عاشقم بر عکس نور	نی چو خفاشم ز خور در احتجاب
تا شوند احباب در محبوب محو	از وجود خویش کردند اجتناب...
...چشم امید نزاری روشن است	از طلوع نور نجل بوتراب

(دیوان، ۱: ۵۷۶)

در غزل شماره ۱۶۰ با عنوان «اهل روزگار» به آفرینش هستی و خلقت آدم و حوا اشاره کرده و پیامبر(ص) را مقدّم بر همه چیز دانسته است.

نه امتان دور کمال پیمبریم نه مصطفی زمبدء فطرت مقدّم است

(دیوان، ۱: ۶۸۴)

در غزل شماره ۳۱۴ با عنوان «خون پاک» به جایگاه و مرتبت نبی مکرم اسلام اشاره دارد.



حبیب خدا راست این مرتبه ابوچهل در خوردِ لولاک نیست

(دیوان، ۱: ۸۸۵)

در غزل شماره ۶۰۵ با عنوان «قبله‌ی جان» در مقایسه‌ای علی(ع) را از حضرت موسی(ع) برتر می‌داند.

...ذوالفقار کف حیدر به شبان لایق نیست شک نباشد که شبان هم به عصا اولاتر

(دیوان، ۱: ۱۲۰۲)

نزاری در ابیات ۲۰۰ تا ۲۰۳ از زبان شب، روز را به مناسبت آنچه در روز عاشورا روی داده است و روز به سهم خود در این ماجرا نقش داشته است مورد شماتت قرار می‌دهد.

...تو که در دشت کربلا دیدی	که چه می‌رفت و می‌پسندیدی
گشتی آن‌روز یار اهل سعیر	دشت و صحرا بتافتی چو اثیر
قصد فرزند مصطفی کردی	با پیمبر چنین وفا کردی
چه توقع کند زمهر تو کس	یادگار این منافقی ز تو بس

(مثنوی روز و شب: ۵۸)

نزاری مثنوی روز و شب را با سلام بر رسول خدا در بیت ۵۴۶ به پایان می‌برد.

ختم شد بر دعای دولت شاه والسلام علی رسول الله

(مثنوی روز و شب: ۹۵)

در کتاب ادب‌نامه که در بیان چگونگی رفتار وزیران و منشیان و دیگر درباریان در برابر شاه است نیز ابیاتی در نعت و ستایش و بزرگداشت پیامبر اکرم(ص) و اهل بیت عصمت و طهارت(ع) آمده است.

نزاری در ابیات آغازین ادب‌نامه با مطلع ذیل به سپاس و ستایش خداوند پرداخته است:

سپاس و ستایش خداوند را خداوند بی‌مثل و مانند را...

(ادب‌نامه: ۱۹)

از بیت بیست و یکم تا بیت سی و دوم به بیان اوصاف و ویژگی‌های اهل بیت اختصاص یافته است.

به از خاتم انبیا مصطفی حبیب الله آن گنج صدق و صفا



نخست ار چه حق گفت نشنود کس
 چو حق گفت و بر بال جبریل بست
 چو حق از امین خدا بشنود
 نثار از قدوم نبی بر مچین
 سیه روز بدبخت نیکی ندید
 حقایق شناس از تعصب بری است
 به یاران مختار کن التجا
 دلیل او بود، ره، خطرناک نیست
 گرت راه باید به اهل صفا
 به حبل المتین در زن ای دوست دست
 چو خواهی که یابی خلاص از ظلام

که اعجاز او جمله سحر است و بس
 طلسمات باطل به هم در شکست
 به گفتار باطل چرا بگروند
 تو و سجده‌ی شکر در روم و چین
 که بر دعوت مصطفی نگر وید
 تعصب پرستیدن از مدبر است
 تعصب کجا و محقق کجا
 شفیع او بود، از گنه باک نیست
 طلب کن ز ذریه‌ی مصطفی
 که کس جز بدین از ضلالت نرست
 همین است تدبیر و بس، والسلام

(ادب‌نامه: ۲۰)

در ادامه به مدح و ستایش حاکم معاصر خود ملک شمس‌الدین از ملوک نیمروز می‌پردازد و در ابیات چهل و یک و چهل و سه او را دارای صفات پیامبر(ص) و علی(ع) می‌داند:

محمد سیر شاه اعظم علی	علم در معالی، به عالم علی
سلیمان سریری خَضرِ مقدمی	براهیم خُلُقِ مسیحا دمی
محمد شعاری، علی صولتی	جهان کدخدایی جوان دولتی

(ادب‌نامه: ۲۱)

در پایان ستایش پادشاه، برای دوام حکومتش و بقای عمرش دعا می‌کند و خداوند را به اولیای درگاهش سوگند می‌دهد که خواسته‌اش را اجابت نماید. در این بین در بیت هشتم خداوند را به فرزندان و خاندان پیامبر سوگند می‌دهد

به ذریه و عترت مصطفی	به خاصیت اهل صدق و صفا
که شاه جوان بخت را یار باش	ز آفات دهرش نگهدار باش...

(ادب‌نامه: ۲۲)



نزاری در کتاب دستورنامه نیز در ابتدا به نعت و ستایش پیامبر(ص) می‌پردازد و طی سه بیت (۸-۱۱) چنین

می‌سراید:

وجود محمد علیه الصلوه	گزین کرد فی‌الجمله از کاینات
به حق ناسخ دعوت انبیا	حبیب خدا حامی اصفیا
شفیع قیامت دلیل نجات	رسول امین سید کاینات

(دیوان، ۱: ۲۵۹)

در سه بیت پایانی (۵۷۴-۵۷۶) دستورنامه از خداوند به حق خاندان پیامبر(ص) طلب بخشش می‌نماید.

به رحمت ببخشی و رجعت کنی	الاهی عزیزم به عزت کنی
معاذم به ذریت مصطفا	گناهم به خیرات اهل صفا
امیدم همین است و بس والسلام	ندارم دگر جز تو کس والسلام

(دیوان، ۱: ۲۹۹)

نتیجه:

با وجود اینکه شعر نزاری در آثار متعددش دارای مضامین و محتوای متنوع و حتی گاه متناقض است تا جایی که سبب شده است صاحب‌نظران در خصوص مسلک و مرام و مذهب او نتوانند به اتفاق نظری دست یابند، اما اشعار او درباره اهل بیت و شان و جایگاه آنها یکدست و با مضامین عالی بشری بوده و از او شاعری معتقد و در پاره‌ای موارد حتی ولایی به نمایش می‌گذارد. مهم‌ترین موارد قابل توجه در این مقاله که شایسته ذکر در نتیجه است عبارتند از:

- یکسانی مضامین مورد توجه نزاری با شعر شاعران متعهد و آزاده‌ای نظیر فردوسی و ناصر خسرو .

- حمایت آشکار نزاری از جایگاه ولای اهل بیت با تعبیری چون کشتی نجات و حبل‌الاهی.

- محبت و تولای زایدالوصف او نسبت به اهل بیت.

- اقتدایش به حضرت علی(ع) به عنوان ولی و سلسله جنیان مکتب اهل بیت.

- فراوانی ذکر و یاد اهل بیت در انواع مختلف شعری‌اش.



جدول زیر میزان فراوانی نعت و منقبت اهل بیت(ع) در شعر نزاری را نشان می‌دهد که جهت دسترسی خوانندگان محترم به تمام غزل یا شعر نزاری تهیه گردیده است:

ردیف	عنوان شعر	شماره‌ی شعر	آدرس	توضیحات
۱	«عظت و تنبیه»		دیوان ۱/۱۴۰	نزاری خاندان پیامبر(ص) و اولاد علی(ع) را کشتی نوح و جبل الهی خوانده و التجا به آنان را تنها راه نجات دانسته است.
۲	«تولّا به آل عبا»	غزل شماره ۳	دیوان ۱/۴۸۷	توجه به اهل بیت عصمت و طهارت پیامبر را مطرح کرده و به آنان ملتجی شده و آنان را وسیله ی بخشش گناهان و اعمال بد خود دانسته است
۳	«حبّ آل نبی»	غزل شماره ۵۳	دیوان ۱/۵۴۹	در مناجاتی از خدای متعال درخواست بخشش و عفو می‌کند و از او می‌خواهد که با فضل و رحمت خود برخورد کند و راه نجات خود را تعلق خاطری می‌داند که به اهل بیت عصمت و طهارت دارد.
۴	«آفتابی دیدم»	غزل شماره ۶۷	دیوان ۱/۵۶۷	دلیل خصومت دشمنان را با خود پیروی از علی(ع) می‌داند.
۵	«جدال با محتسب»	غزل شماره ۷۰	دیوان ۱/۵۷۲	محتسب را شایسته و در خور و شان برخورد با خود و امثال خود نمی‌داند و در دو بیت به علی(ع) و اولاد ایشان اشاره کرده و آنان را مقتدا و محبوب خود قلمداد کرده است.
۶	«نور نجل بوتراب»	غزل شماره ۷۳	دیوان ۱/۵۷۶	علی(ع) و تبارش را به نور تشبیه کرده و خود را شیفته و عاشق نور آنان معرفی نموده است و این را بن مایه‌ی رستگاری و سعادت خود در



				روز قیامت دانسته است.
۷	«محبت آل»	غزل شماره ۱۲۰	دیوان ۶۳۳/۱	مقصود و منظور از آفرینش را محبت و دوستی خاندان پیامبر(ص) می‌داند.
ردیف	عنوان شعر	شماره‌ی شعر	آدرس	توضیحات
۸	«امام وقت»	غزل شماره ۱۵۳	دیوان ۶۷۴/۱	در شناسایی امام و راه درست و صحیح هدایت سخن گفته و هر کس امام خود را شناسد و از او پیروی نکند گمراه است و در بهشت جایی ندارد
۹	«اهل روزگار»	غزل شماره ۱۶۰	دیوان ۶۸۴/۱	به آفرینش هستی و خلقت آدم و حوا اشاره کرده و پیامبر(ص) را مقدّم بر همه چیز دانسته است.
۱۰	«قناعت آباد»	غزل شماره ۲۸۷	دیوان ۸۵۲/۱	نزاری به ولایت ولیّ حق که همانا علی(ع) است اشاره دارد.
۱۱	«حبّ آل»	غزل شماره ۲۹۴	دیوان ۸۵۹/۱	به اعتقادش به اهل بیت پیامبر(ص) که منحصر به فرزندان و نسل علی(ع) است اشاره شده است.
۱۲	«نظم نزاری»	غزل شماره ۳۱۲	دیوان ۸۸۳/۱	پیامبر را حبیب‌الله خوانده و هرکسی را دارای شان او نمی‌داند و در ادامه به تولّای اهل بیت اشاره می‌کند
۱۳	«خون پاک»	غزل شماره ۳۱۴	دیوان ۸۸۵/۱	به جایگاه و مرتبت نبی مکرم اسلام اشاره دارد.
۱۴	«چاره تسلیم و رضا»	غزل شماره ۳۲۳	دیوان ۸۹۷/۱	به تبرّاً و تولّای اهل بیت اشاره دارد
۱۵	«بی نزاری چو بیایی»	غزل شماره ۳۶۹	دیوان ۹۴۹/۱	آل نبی را شایسته‌ی بندگی دانسته و آنان را طریق سعادت و چشمه‌ی حیوان معرفی کرده است.



۱۶	«پس رو آل نبی باش»	غزل شماره ۳۷۷	دیوان ۹۵۸/۱	به جایگاه اهل بیت اشاره دارد
ردیف	عنوان شعر	شماره‌ی شعر	آدرس	توضیحات
۱۷	«جهان علم علی(ع)»	غزل شماره ۳۸۲	دیوان ۹۶۶/۱	ضمن اعلام ولایت علی(ع)، ایشان را کلید رزق و روزی مردم معرفی می‌کند.
۱۸	«بانگ وحدت»	غزل شماره ۵۳۵	دیوان ۱/۱۱۲۵	به صفات و ویژگیهای محبان اهل بیت عصمت و طهارت از جمله خود نزاری اشاره دارد.
۱۹	«قبله‌ی جان»	غزل شماره ۶۰۵	دیوان ۱/۱۲۰۲	در مقایسه‌ای علی(ع) را از حضرت موسی(ع) برتر می‌داند.
۲۰	«التجا به آل رسول»	غزل شماره ۷۸۴	دیوان ۱/۱۴۰۵	خود را ملتجی خاندان پیامبر دانسته است.
۲۱	«در پی آل بوتراب»	غزل شماره ۱۰۷۲	دیوان ۳۳۲/۲	اعتقاد به خاندان علی(ع) و دنباله روی از اهل بیت را یک اصل اجتناب ناپذیر مسلمانی می‌داند.
۲۲	«حبّ بوتراب»	غزل شماره ۱۱۷۰	دیوان ۳۷۰/۲	دوستی علی(ع) را مایه‌ی بخشودگی در روز حساب می‌داند.
۲۳	«حبّ ذریه»	غزل شماره ۱۱۲۱	دیوان ۳۸۴/۲	دوستی اولاد پیامبر را بهترین کار در این دنیا می‌داند.
۲۴	«محبت ازلی»	غزل شماره ۱۲۷۸	دیوان ۵۴۴/۲	به دوستی ازلی خود به خاندان علی اشاره دارد.
۲۵	«پیغام سوم شب برای روز»	ابیات ۲۰۳ تا ۲۰۰	مثنوی روز و شب ۵۸/	از زبان شب، روز را به مناسبت آنچه در روز عاشورا برای اهل بیت روی داده است و روز به سهم خود در این ماجرا نقش داشته است مورد شماتت قرار می‌دهد.



ردیف	عنوان شعر	شماره‌ی شعر	آدرس	توضیحات
۲۶	«پایان سخن»	بیت ۵۴۶	مثنوی روز و شب/۹۵	نزاری مثنوی روز و شب را با سلام بر رسول خدا(ص) در این بیت به پایان می برد.
۲۷	«دیباچه»	ابیات ۳۲ تا ۳۱	ادب نامه/۲۰	از بیت بیست و یکم تا بیت سی و دوم به بیان اوصاف و ویژگی‌های اهل بیت اختصاص یافته است.
۲۸	«دیباچه»	ابیات ۴۱ و ۴۳	ادب نامه/۲۱	شاعر در ابیاتی به مدح و ستایش حاکم و ممدوح معاصر خود ملک شمس‌الدین از ملوک منطقه می‌پردازد و در ابیات چهل و یک و چهل و سه او را دارای صفات پیامبر(ص) و علی(ع) می‌داند.
۲۹	«دیباچه»	بیت ۸۰	ادب نامه/۲۲	نزاری در پایان ستایش پادشاه، برای دوام حکومت و بقای عمرش دعا می‌کند و در این خصوص خداوند را به اولیای درگاهش سوگند می‌دهد. در این بین در بیت هشتادم خداوند را به فرزندان و خاندان پیامبر(ص) سوگند می‌دهد.
۳۰	«در تضرع و خاتمت کتاب»	ابیات ۲۲۰۴ تا ۲۲۱۱	ادب نامه/۱۱۶	ضمن بیان پایان یافتن ادب نامه از علی(ع) با عناوین «شاه جهان‌بان»، «ولی»، «اولوالامر» و «پشت و پناه دین و دنیا» یاد کرده است:
۳۱	«در تضرع و خاتمت کتاب»	بیت ۲۲۱۹	ادب نامه/۱۱۷	در انتهای ادب نامه، زمانی که شعر خود را به پایان می‌برد در بیت ۲۲۱۹ باز از پیامبر و علی یاد می‌کند.
ردیف	عنوان شعر	شماره‌ی شعر	آدرس	توضیحات



۳۲	«نعت رسول»	دستورنامه/ ۲۵۹	نزاری در آغاز این کتاب ابتدا به ستایش خداوند می پردازد و سپس طی سه بیت (۸-۱۱) نعت و ستایش پیامبر(ص) را می آورد.
۳۳	«مناجات و خاتمت»	دستورنامه/ ۲۹۹	در سه بیت پایانی (۵۷۴-۵۷۶) از خداوند برای خود به حق خاندان پیامبر(ص) طلب بخشش می نماید.

کتابنامه:

- ابن حسام، محمد بن حسام الدین (۱۳۶۶). **دیوان محمد بن حسام خوسفی**. تصحیح احمد احمدی بیرجندی و محمدتقی سالک. مشهد: اداره ی کل اوقاف.
- ابن یمین فریومدی، محمود بن یمین الدوله (۱۳۶۳). **دیوان اشعار ابن یمین فریومدی**. تصحیح حسین علی باستانی راد. [تهران]: سنایی.
- اهلی شیرازی، محمد بن یوسف (۱۳۴۴). **کلیات اشعار مولانا اهلی شیرازی**. تصحیح حامد ربّانی. تهران: سنایی.
- باباصفیری، علی اصغر (۱۳۷۹). «اظهار اعتقاد به تشیع و دعوت بدان در مناقب علوی شاعران شیعی (از سده چهارم تا چهاردهم هجری)». **فرهنگ (ویژه بزرگداشت سال امام علی (ع))**. بهار و زمستان. شماره ۳۳-۳۶. صص ۲۵۹ تا ۲۷۸.
- بابافغانی شیرازی (۱۳۶۲). **دیوان بابافغان شیرازی**. تصحیح احمد سهیلی خوانساری. [تهران]: اقبال.
- جعفری، حسین محمد (۱۳۷۴). **تشیع در مسیر تاریخ**. ترجمه محمدتقی آیت اللهی. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- جمعی از نویسندگان (۱۳۸۱). **امامت پژوهی**. زیر نظر محمود یزدی مطلق. مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی.



- دبیرسیاقی، محمد (۱۳۵۵). **گنج بازیافته**. تهران: اشرفی.
- ریاحی، محمدامین (۱۳۶۷). **کسای مروز، زندگی، اندیشه و شعر او**. تهران: توس.
- سروش اصفهانی، محمدعلی بن قنبرعلی (۱۳۴۰). **دیوان شمس الشعرا**. تصحیح محمدجعفر محجوب. تهران: امیرکبیر.
- شیبانی (۱۳۰۸). **منتخب مجموعه بیانات شیبانی**. استانبول: اختر.
- صفای اصفهانی، محمدحسین بن سبزعلی (۱۳۶۲). **دیوان اشعار حکیم صفای اصفهانی**. تصحیح احمد سهیلی خوانساری. [تهران]: اقبال.
- فردوسی، ابوالقاسم (۱۹۶۳). **شاهنامه فردوسی**. زیر نظر ی.ا. برتلس. مسکو: آکادمی علوم شوروی.
- قانای، حبیب‌الله بن محمدعلی (۱۳۶۳). **دیوان حکیم قانای شیرازی**. تصحیح ناصر هیبری، تهران: گلشایی.
- قوامی رازی، بدرالدین (۱۳۳۴). **دیوان قوامی رازی**. تصحیح میرجلال‌الدین حسینی ارموی. [تهران]: سپهر.
- کلیم همدانی، ابوطالب (۱۳۶۹). **دیوان ابوطالب کلیم همدانی**. تصحیح محمدقهرمان. مشهد: آستان قدس رضوی.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۱). **آیات ولایت در قرآن**. تهیه و تنظیم ابوالقاسم علیان نژادی، انتشارات نسل جوان.
- مهدی‌پور، محمد (۱۳۸۶). «ولی و ولایت در مثنوی مولانا جلال‌الدین محمد بلخی». **پژوهش‌های فلسفی**. نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز. بهار و تابستان. شماره ۲۰۱. صص ۱۳۷ تا ۱۶۰.
- ناصر خسرو (۱۳۶۵). **دیوان ناصر خسرو**. تصحیح مجتبی مینوی و مهدی محقق. تهران: دانشگاه تهران.
- نزاری قهستانی، سعدالدین (۱۳۷۱). **دیوان حکیم نزاری قهستانی**، جلد ۱ و ۲. به تصحیح و با مقدمه مظاهر مصفا. تهران: انتشارات علمی.
- نزاری قهستانی، سعدالدین (۱۳۹۲). **ادب‌نامه**. به کوشش و هزینه محمود رفیعی. تهران: هیرمند.



-نزاری قهستانی، سعدالدین (۱۳۸۵). **مثنوی روز و شب**. به تصحیح و با مقدمه نصرالله پورجوادی. تهران: نشر نی.

-واعظ قزوینی، محمدرفیع (۱۳۵۹). **دیوان ملا محمدرفیع واعظ قزوینی**. تصحیح سیدحسن سادات ناصری. تهران: علی اکبر علمی.

-هلالی جغتایی، بدرالدین (۱۳۳۷)، **دیوان هلالی جغتایی**. تصحیح سعید نفیسی. تهران: سنایی.